

۹۸۰

بازدید شد  
۶-۳۷

۶۲۲۲

۵۲۰۴

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب تذکره شرا (خلافت الاسلام)

مؤلف: قزوینی، کاظم

موضوع: ...

شماره ثبت کتاب: ۵۵۱۰۴

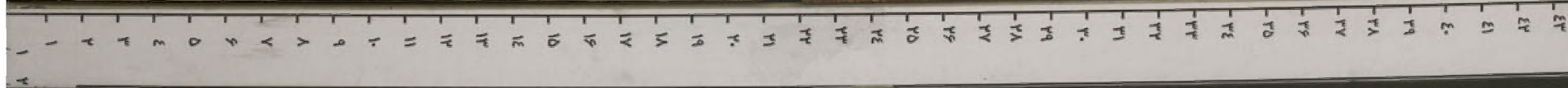
شماره قفسه: ۵۲۰۴

بازدید شد  
۱۳۸۲

کتابخانه مجلس شورای ملی

۵۰۲۴



























[illegible][illegible]















[illegible][illegible]



[illegible][illegible]



















[illegible][illegible]



































[illegible][illegible]











[illegible][illegible]



























































|                             |                             |                             |                             |
|-----------------------------|-----------------------------|-----------------------------|-----------------------------|
| از آن ترمن و از ترمنست      | از آن ترمن و از ترمنست      | از آن ترمن و از ترمنست      | از آن ترمن و از ترمنست      |
| این وقت اندر دور دور است    | این وقت اندر دور دور است    | این وقت اندر دور دور است    | این وقت اندر دور دور است    |
| یکی در هفت و دیگر در هفت    | یکی در هفت و دیگر در هفت    | یکی در هفت و دیگر در هفت    | یکی در هفت و دیگر در هفت    |
| چیز است که چنانکه چرخ بران  | چیز است که چنانکه چرخ بران  | چیز است که چنانکه چرخ بران  | چیز است که چنانکه چرخ بران  |
| نخواهد از حرکت دور از چرخان | نخواهد از حرکت دور از چرخان | نخواهد از حرکت دور از چرخان | نخواهد از حرکت دور از چرخان |
| همسری از وی و دیگر از ایشان | همسری از وی و دیگر از ایشان | همسری از وی و دیگر از ایشان | همسری از وی و دیگر از ایشان |
| چرا که اینان در ملک و گویان | چرا که اینان در ملک و گویان | چرا که اینان در ملک و گویان | چرا که اینان در ملک و گویان |
| بسیار دوری از خانه و بیایان | بسیار دوری از خانه و بیایان | بسیار دوری از خانه و بیایان | بسیار دوری از خانه و بیایان |
| بر از غزل و غنچه و ایوان    | بر از غزل و غنچه و ایوان    | بر از غزل و غنچه و ایوان    | بر از غزل و غنچه و ایوان    |
| از باران از غنچه و ایوان    | از باران از غنچه و ایوان    | از باران از غنچه و ایوان    | از باران از غنچه و ایوان    |
| چشمش کند از غنچه و ایوان    | چشمش کند از غنچه و ایوان    | چشمش کند از غنچه و ایوان    | چشمش کند از غنچه و ایوان    |
| بگرد گشته از باد و دیران    | بگرد گشته از باد و دیران    | بگرد گشته از باد و دیران    | بگرد گشته از باد و دیران    |
| بترش از شیرین و از غنچه     | بترش از شیرین و از غنچه     | بترش از شیرین و از غنچه     | بترش از شیرین و از غنچه     |
| چنانکه از گل و گل و چیتان   | چنانکه از گل و گل و چیتان   | چنانکه از گل و گل و چیتان   | چنانکه از گل و گل و چیتان   |
| همسری که چنانکه از غنچه     | همسری که چنانکه از غنچه     | همسری که چنانکه از غنچه     | همسری که چنانکه از غنچه     |
| خدا که کشیده از وی و ایوان  | خدا که کشیده از وی و ایوان  | خدا که کشیده از وی و ایوان  | خدا که کشیده از وی و ایوان  |

والله

[illegible]

الحق

بر کیکه کپا داسه دنده کیت بکریه  
آوردن خا داسه بستره بکریه  
نوروز خا داسه کیت بکریه  
آوردن خا داسه بستره بکریه

[illegible]

والله اعلم

|                                     |                                 |                             |
|-------------------------------------|---------------------------------|-----------------------------|
| به سخن گفتن و سخن گفتن              | باز کار و دامن دای کار کار      | خدا آباد است و از ناطق آباد |
| که به سخن گفتن کار و کار و سخن گفتن | تا چنانکه دست و دست و دست و دست | و سخن گفتن و سخن گفتن       |
| سبب و سبب و سبب و سبب               | حاجت و حاجت و حاجت و حاجت       | و سخن گفتن و سخن گفتن       |
| مسئله و مسئله و مسئله و مسئله       | معروف و معروف و معروف و معروف   | و سخن گفتن و سخن گفتن       |

والله اعلم

[illegible]































[illegible]

اتحاد بقاء

۱- که در پیش از این عهد نهاده باشد  
 ۲- که در این عهد از این عهد نهاده باشد  
 ۳- که در این عهد از این عهد نهاده باشد  
 ۴- که در این عهد از این عهد نهاده باشد  
 ۵- که در این عهد از این عهد نهاده باشد  
 ۶- که در این عهد از این عهد نهاده باشد  
 ۷- که در این عهد از این عهد نهاده باشد  
 ۸- که در این عهد از این عهد نهاده باشد  
 ۹- که در این عهد از این عهد نهاده باشد  
 ۱۰- که در این عهد از این عهد نهاده باشد

[illegible]

والله اعلم

چو درخت در آن چو نرسد فزاید  
کین گشت خوار که با دست بران  
هر سو نور شد و رفت و رفت  
نفس من که با دست نرسد  
بجست که او هر چه چو رفت  
نور که با دست نرسد  
صحنه نیست و در آن دست نرسد  
فزان در دست و در آن دست نرسد











[illegible][illegible]



















[illegible]

وفاطیہ زکیہ و زکریا

[illegible][illegible]

والله اعلم

[illegible]























































[illegible][illegible]







































